

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: نعیم سلیمی- کابل/افغانستان
۲۷ فبروری ۲۰۱۹



هدیان و یا اعتراف به حقایق عریان



قدرت و حاکمیت پوشالی دو دههٔ اخیری از فصل تاریخ سیاسی نامیمون افغانستان در انتهای افول و سقوط خود قرار دارد که در حقیقت امر سایکل دورانی آن به نیم قرن گذشته "جهاد امریکا در افغانستان" بر می گردد. آنچه را که اکنون ما شاهد آن هستیم این است که یکجا با این زوال، رنسانس دروغین دموکراسی ناکام و پارسل شدهٔ لیبرال بورژوازی غربی نیز در وطن ما منقرض می گردد و ما عنقریب بار دیگر باز شدن صفحهٔ دیگری از یک برگهٔ جدید تاریخ تر از گذشتهٔ تاریخی کشور را نظاره خواهیم نمود که یقیناً مهرها و نشانی های داغ های گذشته را با خود خواهد داشت که در آن بار دیگر بربریت ارتجاعی سایه می افکند و دیگر از "مدینهٔ فاضلهٔ خورشید تابان" این دموکراسی خبری نخواهد بود و باز همان دستور "امر به معروف و نهی از منکر" طالبانی با یکنوعی از نرمش بیشتری از قدرت فرمانروائی مشارکتی و یا جمهوری مشارکتی (امارت) مورد قبول همه طرف های درگیر داخلی و خارجی، جاری خواهد شد.

اگر ما مجموعه دستاورد های سایکل و سریال جهاد امپریالیزم ایالات متحده امریکا و سایر شرکای جرمی آن را در یک جمله خلاصه نمایم این خواهد بود که : طی این دوران فساد گسترده و سرتاسری در سرتاپای ساختار سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی کشور ما سایه افگند و حتی تا سرحدی که گنداب آن به جسم و جان مردم عادی این سرزمین نیز سرایت نمود که جبران و غلبه بر آن کار دشواری است . این مطلب را شبکه خبری جهانی بی بی سی که خود در واقعیت امر یکی از بلند گو های دموکراسی لیبرال سرمایه داری است تقریباً دو سال قبل چنین گزارش داد که مو را بر اندام آدمی راست می سازد : " با وجود این که ماه گذشته اعلام شد که مردم افغانستان در سال ۲۰۱۶ ، بیش از بودجه دولت شان ، رشوه پرداخت کرده اند (۳ میلیارد دلار) و این رقم ، نسبت به سال ۲۰۱۴ ، یک میلیارد دلار افزایش داشته ، اما رتبه این کشور در فهرست سالانه سازمان شفافیت بین المللی، ۵ پله ارتقاء کرده است " .



یکی از خنده دارترین مضحکه پوچ چرند و پرند گوئی سیاسی حاکمیت پوشالی کنونی را که من آن را به هذیان گوئی شباهت می دهم این است که مانند انسان مریضی که وجدان آن در نهایت سطح ذلت آن بوده و در حالت جان باختن قرار دارد ، بدون هیچ گونه مباحثاتی به طور فزاینده ای هذیان پراگنی می نماید . به طور مثال ما درین اواخر شاهد آن هستیم که سیاستمداران یک جبهه و یک جرگه واحد به جان هم می افتند ؛ متحدان و یاران سابق که در یک بستری از سیاست با هم مزدوج بودند و می خوابیدند به دشمنان کنونی مبدل می گردند و این تغییر حالت با چنان سرعت غیر مترقبه، مصنوعی و کاذب آن انجام می شود که بدون شک قسمت اغلب از مردم ما به واقعی بودن آن شک پیدا می نمایند . به عبارت دیگر این چرخش موضعگیری کاملاً بر یک محور فلسفه ماکیاولیستی استفاده از همه وسایل حتی غیر مشروع برای دست یازیدن به قدرت اجتناب نشود که اساس آن بر بنیاد دروغ و نیرنگ و این که " سیاست میدان دوستی ها و دشمنی های ناپایدار می باشد " ، استوار است .

درین جستار اندک سعی می گردد تا به دو نمونه و مثال چنین هذیان گوئی ها چون مشت نمونه خروار بسنده گردد :
 * - " محمد اشرف غنی ، رئیس جمهور کشور ، در سوم ماه حوت در دیداری با فعالان مدنی و جوانان لوی قندهار در ارگ گفته بود که اسلام آباد، تهران و مسکو حق ندارند برای افغانها، رئیس جمهور انتخاب کنند . آقای غنی تأکید کرده بود که انتخاب رئیس جمهور برای افغانستان حق انحصاری خود افغان ها است " (مضمون خلیل اسیر، حکومت مصادیق دخالت پاکستان ، ایران و روسیه در انتخابات را مشخص نمی کند ، هشت صبح - دوشنبه ، ۶ حوت ۱۳۹۷)
 به باور این قلم در چنین یک اظهاریهایی بدون سنجش دقیق دیپلماسی و سیاست خارجی باز هم مانند گذشته سعی می گردد تا عشق ورزی سیاسی محرمانه با چتر دفاعی ناتو ، اتحادیه اروپا و به خصوص امپریالیزم ایالات متحده امریکا

در برابر تهدید های روسیه ، ایران و پاکستان و شاید هم چین و دیگران توجیه گردد . یعنی این که جناب ایشان می فرمایند که اگر امریکائی ها برای ما رئیس جمهور برمی گزینند درست است ، ولی دیگران چنین کاری را انجام ندهند . در یک چنین برخوردی به مسأله سیاست خارجی من بارها تأکید کرده ام که نباید اصل را تابع فرع نمود و غیر عمده را جایگزین عمده ساخت که باز هم به صورت ماهرانه از جانب روشنفکران لیبرال افغان و از آنجمله آقای "محب" در میان مردم ساده دل ما ضرورت چتر دفاعی ناتو برای افغانستان که خود در واقعیت مادر هرگونه مداخلات سیاسی در امور داخلی افغانستان است ، به طور استثنائی و فوق العاده ذهنیت سازی می گردد و به این ترتیب سعی می گردد تا آخرین رشته های عصبی غیرت و عزت ملی ما را کرخت نموده و با خوراندن نوش داروی مسکن که با دالر و پوند استرلینگ جوشانده شده مردم افغانستان را به سوی اسارت، تن فروشی و وطنفروشی تشویق نماید و پیوند و وصلت ما را با خانواده غیر مقدس حریم تجاوز و اشغال به جاودانگی مبدل سازد.

از جانب دیگر تأکید به انتخابات به مثابه ملکیت افغانها از جانب رژیم دست نشانده در حالی مطرح می گردد که خودش بر اساس انتخابات به وجود نیامده ؛ بلکه در نتیجه توافقات حاصله و میانجیگری آقای جان کری یکن از سیاستمداران کار کشته ایالات متحده امریکا جهت تأسیس یک شرکت سهامی غنی / عبدالله و شرکای جرمی آنها ، روی صحنه آمد . و بالاخره جالب تر از همه این است که تلاش برای این وصلت اجباری سیاسی از جانب کابل برای واشنگتن در زمانی صورت می گیرد که ایالات متحده امریکا در صدد پایان دادن به این رشته بوده و آن را از دواج بدی تلقی می نماید؛ * - "آقای "حمدا لله محب" ، مشاور امنیت ملی و متحد نزدیک سابق اشرف غنی (اتمر) را متهم می کند که معاش تعدادی از کارمندانش را از سفارتخانه های خارجی پرداخت می کرد".

آقای "محب" به تاسی از مثل " دروغگو حافظه ندارد " گذشته پرکتس دریافت پول توسط ارگ را از سفارتخانه های خارجی از یاد برده و مانند کلک راست گوی بی تجربه با حمله به "اتمر" تأنید می نماید که پول نقد سفارتخانه ها به شورای امنیت ملی در زمان آقای غنی نیز جاری و ساری بود . بناءً این شهادت حقوقی جناب "محب" سؤالی را در مورد توزیع و تقسیم این کمک ها در میان سایر مأموران ارگ به وجود می آورد . بیان چنین هذیانی با در نظر داشت تب لرزه جان دادن رژیم سیاسی پوشالی کابل اعتراف جانانه و ستودنی از یک خیانت ملی آشکار می باشد که انفکاک و برطرفی وی را در قبال خواهد داشت.

بهترین گزینه برای افغانستان و مردم آن را در عرصه سیاست خارجی آن با در نظر داشت این که در عصر حاضر بیطرفی کامل و منزوی ممکن و محتمل نیست باید در موقف گیری و دریافت سیاست متعادل و بیلانس شده با تمامی طرف های درگیر در جنگ افغانستان با از سر گیری سیاست عنعنه ئی بیطرفی فعال و مثبت آن جست و جو نمود ؛ چنان که تجارب در گذشته نشان داده است در سیاست خارجی دوستان و دشمنان دوامدار وجود نداشته بلکه منفعت دوامدار مطرح می باشد ؛ دلباختگی ها و شیفتگی های سیاسی جاودان ، جدائی های دردناک و اسفناک جاودانی را نیز با خود داشته و دارد که از آن باید آموخت

پایان

دیدگاه شما